

مقاله پژوهشی
اصیل
*Original
Article*

بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ دینی در ادبیات دفاع مقدس (مطالعه موردی: کتاب چراغ خانه ما)^۱

حسن عسکری^۲

چکیده:

مطالعه زندگینامه شهدا و دقت در ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها، نقش بسیار زیادی در رشد تربیتی جامعه، به‌ویژه در بین نسل جوان دارد. یکی از راه‌های بهره‌مندی بیشتر از سیره عملی شهدا، تحلیل عناصری است که در دوران زندگی آن‌ها بر رشد شخصیتی‌شان مؤثر بوده است. مقاله حاضر که با روش کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل محتوای کیفی فراهم آمده، در تلاش است نقش مؤلفه‌های فرهنگ دینی را بر پرورش رزمندگان دفاع مقدس تبیین کند و بر مبنای کتاب «چراغ خانه ما»، مؤلفه‌های فرهنگ دینی مؤثر بر زندگی شهید دریجانی، یکی از فرماندهان لشکر ۴۱ ثارالله، را در سه سطح بینش، منش و کنش بررسی و تحلیل نماید. مؤلفه‌های فرهنگ دینی مورد نظر این پژوهش بر اساس زندگینامه شهید دریجانی عبارتند از: خداشناسی، عبادت، اخلاق، ولایت‌مداری، آخرت‌گرایی، مهدویت‌گرایی، امید به آینده و شهادت‌طلبی.

واژگان کلیدی: فرهنگ دینی، دفاع مقدس، شهید دریجانی، چراغ خانه ما، ادبیات پایداری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

۱. زندگی و خاطرات سردار شهید ذبیح‌الله دریجانی / محمد رضا صرفی / رونمایی کتاب توسط سردار حاج قاسم

سلیمانی در تاریخ چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۷

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان- دانشکده حقوق و الهیات- ۰۳۴۳۱۳۲۳۰۱۶

h.askari@uk.ac.ir

۱. مقدمه

جامعه ایرانی با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولات فرهنگی عمیقی را تجربه کرد. در این میان دین نقش اساسی ایفا نمود و مذهب شیعه زیرساخت‌های اجتماعی را به چالش کشید. تشیع به لحاظ ایدئولوژیک با ولایت‌مداری، استقامت، عشق به جهاد و شهادت، دشمن‌شناسی، پایداری، گذشت، فداکاری، سخت‌کوشی، آخرت‌گرایی، مهدویت‌گرایی، امید به آینده و شهادت‌طلبی و... که در متن آموزه‌های آن به شیوه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد، چنان تحولی در جوانان و مردم ایران به وجود آورد که توانستند در دوره‌های بحرانی و غالباً دشواری که کشور با آن مواجه بود، از آزمون‌های گوناگون سرفراز بیرون بیایند. در این شرایط، نهادهای مذهبی از نقش قابل‌توجهی برخوردار شدند و به بازتولید اندیشه‌های اسلامی و تطبیق نیازها و چالش‌های جدید جامعه با مبانی فرهنگ دینی توفیق یافتند و به این ترتیب، دین توانست نقش اجتماعی اصیل خود را پیدا کند و در زمینه‌های گوناگون زندگی مؤثر واقع شود و حیات ایرانیان را بر مبنای فرهنگ دینی و ارزش‌های اسلامی سامان بخشد. «ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی به قدری انعطاف‌پذیر است که می‌تواند با منافع و خواسته‌های هر گروه مشکل‌پسند انطباق یابد. از این گذشته روحانیان و رهبران فرهمند نیز نقش ائتلاف‌دهنده‌ای را ایفا می‌کردند و می‌کوشیدند برای یک بسیج انقلابی همه این گروه‌ها را در کنار یکدیگر قرار دهند.» (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۳۵).

با وقوع جنگ تحمیلی برای مقابله با دشمن و حفاظت از کیان ملی، ارزش‌های دینی توانستند خلأ ناشی از کمبود امکانات را پر کنند و با بازتعریف مفاهیم مذهبی که در طول قرن‌ها به تدریج کمرنگ شده بودند یا در معرض فراموشی قرار داشتند، زمینه پرورش مجاهدانی را فراهم کنند که تمام محاسبات دشمنان را نقش بر آب ساختند.

۲. مبانی نظری تحقیق

بین «فرهنگ» و «دین» از ابعاد گوناگون پیوندهای ناگسستنی وجود دارد. در حقیقت، فرهنگ از منابع و سرچشمه‌های گوناگونی سیراب می‌شود که دین یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنهاست. از دین در طول تاریخ قرائت‌ها و فهم‌های گوناگونی توسط روحانیان و نخبگان جوامع مختلف ارائه شده است و به گرایش‌ها و کنش‌های گوناگونی انجامیده است. در حقیقت «فرهنگ مذهبی که حاصل فهم دین و التزام عملی به آن فهم است، برحسب نوع فهم‌ها، آثار مختلفی بر روی رفتار دارد.» (دارابی، ۱۳۹۸: ۷۱). پل تیلیش

معتقد است که: «صورت دین، فرهنگ است و محتوا و جوهر فرهنگ، دین.» (Tillich، ۱۹۵۵: ۱۸).

در فرهنگ دینی بر خلاف فرهنگ غربی که منشأ ارزش‌ها و آرمان‌ها را امور خانوادگی، قومیت، نژاد و شرایط محیطی قلمداد می‌کنند؛ دین منشأ پیدایش بایدها و نبایدها و جهت‌دهنده به رفتارهای فردی و اجتماعی است.

الف: فرهنگ

واژه فرهنگ از نظر معنای لغوی دارای معانی متعددی است؛ از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوهمندی، هنر، حکمت، شاخه درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی. (صباحی، ۱۳۸۴: ۱/ ۶۰) و در اصطلاح فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است شامل: دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (آشوری، ۱۳۷۵: ۷۱). محمدتقی جعفری، پس از بررسی تعاریف گوناگون فرهنگ می‌گوید: فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز عقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. (جعفری، ۱۳۷۸: ۷۲). براساس آنچه گذشت، می‌توان در یک تعریف کلی و فراگیر فرهنگ را مجموعه ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم و سنت‌های یک ملت دانست و ویژگی‌های عمومی زیر را برای آن برشمرد:

- ۱- فراگیر باشد و مورد پذیرش عامه مردم باشد، ۲- برای پذیرش و قبول آن به استدلال و مجادله علمی و چون و چرا نیازی نباشد، ۳- محو و ایجاد آن نیازمند گذر زمان باشد، ۴- در یک زمان و مکان و شرایط خاص ایجاد و حادث نشده باشد، ۵- در بستر زایش و ایجاد، دارای علل و عوامل مختلف، و گاه متضاد باشد، ۶- در بین دارندگان و قائلان به آن نوعی همدلی، هم‌رنگی و الفت ایجاد کند. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۵۸).

ب: دین

تعاریف و نقش دین در زندگی انسان در نگاه متفکران غربی با طرز نگاه و تلقی عالمان مسلمان تفاوت‌هایی دارد. مصباح یزدی دین را مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۳، ۱۴۹). صاحب‌المیزان، دین را

طریقه‌ای می‌داند که پیمودنش آدمی را به سعادت حقیقی و واقعی‌اش می‌رساند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۷، ۲۶۹) و علامه دین‌شناس، آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها آمده است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹۴).

در نگاه دانشمندان غربی دین غالباً با حیات مادی سر و کار دارد و مسئله‌ای فردی و قلبی شمرده می‌شود که فاقد نقش اجتماعی است؛ چنان‌که فروید می‌گوید: «دین، نوعی دفاع ذهنی در مقابل پدیده‌های هراسناک طبیعت است، نظیر زلزله، سیل و...» (هیگ، ۱۳۷۶: ۱۷). در نگاه کانت دین عبارت از این است که ما تکالیف واجب و ضروری خود را، با توجه به اینکه مبتنی بر اوامر الهی است، درک نماییم.» (همان: ۱۷). آنان دین را بیشتر ناظر به تکالیف فردی و شخصی دیده‌اند و برای آن نظامی منسجم و یک‌پارچه که بتواند شئون مختلف زندگی مادی و معنوی را سامان ببخشد و سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین نماید، نیافته‌اند. در نگاه ما، جنبه اجتماعی و ارزشی دین، پا به پای جنبه‌های اعتقادی و فردی آن مهم است و چنان‌که خواهیم دید، در دوران دفاع مقدس، با بنیان نهادن فرهنگی همه‌جانبه، علاوه بر پیش، بر نوع رفتار و کنش‌های رزمندگان نیز تأثیری عمیق و غیر قابل انکار داشته است.

ج: دفاع مقدس

مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که ملت ایران در طول ۸ سال در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام دادند، دفاع مقدس گفته می‌شود. از آنجا که دفاع ما مبتنی بر باورها و اعتقادات و ارزش‌های دینی به‌ویژه شیعی بود، این دوران به دفاع مقدس نام‌گذاری شده است.

دوران دفاع مقدس از نظر ظهور و بروز برخی ویژگی‌های فرهنگی، دورانی خاص و بی‌سابقه در تمدن اسلامی است. در این دوران با آماده شدن محیط، امکان بروز بخش‌های فراموش شده یا مغفول فرهنگ دینی مهیا شد و رزمندگان فصل نوینی در مناسبات انسانی و فرهنگی گشودند که شایسته هرگونه اهتمام و زمینه‌ساز نظریه‌پردازی‌های مختلف است. در این دوران و بلافاصله پس از آن، برگ زرینی در ادبیات فارسی رقم خورد که با عنوان ادبیات پایداری شناخته می‌شود.

د: ادبیات پایداری

تعیین حد و مرز ادبیات پایداری به عنوان یک گونه یا ژانر ادبی - خواه آن را از انواع ادبی اصلی بشماریم و خواه از انواع ادبی فرعی - امری بسیار دشوار است. پایداری همچون خون در انواع ادبی جاری است. مفهوم پایداری و دفاع به منزله روحی است که حیات و سرزندگی ادبیات فارسی وابسته به آن است. (صرفی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). از ادبیات پایداری تعاریف متعددی ارائه شده است، به عنوان نمونه ترابی بیان می کند که:

«این نوع ادبیات به شرح و بیان مبارزه، پایداری، از جان گذشتگی و درد و رنج مردم مبارز در جهت به دست آوردن آزادی، استقلال و رسیدن به برابری و از بین بردن جور و ستم و کوتاه کردن دست متجاوزان و اشغال گران از سرزمین نیاکانی خود و دفاع از فرهنگ و سنت های قومی و حمایت از دین و باورداشت های مردم یک سرزمین می پردازد.» (ترابی، ۱۳۸۹: ۵۱).

در مجموع این ادبیات، نوعی ادبیات متعهد و ملتزم است که از سوی مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تحدید می کند، به وجود می آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات و شکوفایی و تکامل تدریجی آن است.» (ر.ک: بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶).

بنابراین متونی که در حوزه ادبیات پایداری نوشته می شود، در بردارنده مطالب ارزشمندی است که لازم است از ابعاد گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و از متن کتاب ها، بار دیگر به متن زندگی وارد شوند و سبب ایجاد تحولات عمیق در جامعه شوند.

۳. نگاهی به زندگینامه شهید ذبیح الله دریجانی

سردار ذبیح الله دریجانی در روز چهارشنبه، اول آذرماه سال ۱۳۴۰ در روستای دریجان از توابع شهرستان بم به دنیا آمد. وقتی برای انتخاب نام نوزاد به قرآن کریم تفأل زدند، با دیدن نام ذبیح الله، پدر دست های خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا، این برای ذبیح در راه تو، از ما بپذیر.» ذبیح الله دریجانی در سال ۱۳۵۸ به توصیه برادرش جعفر، که بعدها در سال ۱۳۶۳ به شهادت رسید، به سپاه پاسداران پیوست. در طول خدمتش، غالباً کارهایی را به عهده می گرفت که بسیار پر زحمت بود و نیاز به صرف وقت و انرژی فراوان داشت. علاوه بر ساماندهی نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله که سرمشقی برای سایر لشکرهای سپاه نیز شد، مسئولیت های مهمی از قبیل «معاون پرسنلی لشکر ۴۱ ثارالله» و «معاون ستاد لشکر ۴۱ ثارالله» را به عهده گرفت. سهم و نقش او در آماده سازی مناطق عملیاتی والفجر ۸ و کربلای ۵ اوج

شاهکارش در صحنه نبرد دفاع مقدس است. دریجانی در راه پر عظمتی که برگزیده بود، بارها مجروح شد. شدیدترین مجروحیتش مربوط به اواخر عملیات والفجر ۸ و تقریباً یک سال قبل از شهادتش است. دشمن که عجز خود را در بازپس‌گیری فاو به عینه دریافت، دست به بمباران شیمیایی منطقه زد و ذبیح‌الله همراه با بسیاری دیگر از رزمندگان توسط گاز خردل شیمیایی شد و رنجهای فراوانی را صبورانه تحمل کرد. دریجانی در نگاه همه کسانی که با او هم‌نشین بوده‌اند، مردی است نجیب، بی‌ادعا، اهل سکوت، مهربان، با لبخندی همیشگی و دل‌نشین، صاحب کلامی نافذ، صبور، خیرخواه، مؤمن، فروتن، شجاع، قانع، ساده‌زیست، حافظ سخت‌گیر بیت‌المال، با توان کاری فوق‌العاده، خستگی‌ناپذیر، آرام، با دلی سرشار از عاطفه و دانایی، که در لحظه لحظه زندگی‌اش جز خدا هیچ ندید و قلب پاکش جز به او به هیچ چیز دیگر میل نکرد. سرانجام این وجود عزیز در واپسین روز عملیات شکوهمند کربلای ۵، یعنی در روز سه‌شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۶۵ در یکی از دشوارترین نقطه‌های درگیری، در پشت نهر دوئیجی، به شهادت رسید و آرزوی دیرینه‌اش تحقق یافت. شهادتش چنان سنگین بود که سردار بزرگ اسلام، حاج قاسم سلیمانی، بعد از شهادت او به شدت گریست و گفت: الان کرم شکست. (صرفی، ۱۳۹۳: ۱۲)

۴. پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت موضوع و کثرت تألیف و تدوین کتاب و مقاله در زمینه زندگی‌نامه شهدا، متأسفانه پس از جستجو، پژوهشی در جهت الگوسازی و چگونگی بهره‌مندی از این آثار مشاهده نشد. از جمله منابعی که به تبیین مؤلفه‌های مؤثر در زندگی شهدا پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

مقاله «استقامت و پایداری در قران» سید محمد میرحسینی (۱۳۸۹)؛ مقاله «انقلاب اسلامی و هویت پایداری» مهرباب صادق‌نیا (۱۳۹۷)؛ مقاله «بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی» صدیقه زودرنج (۱۳۹۷)؛ مقاله «جلوه‌های پایداری در کلام امام خمینی» محمدرضا نجاریان (۱۳۹۳)؛ مقاله «جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با رویکرد به گفتمان رضوی» ابراهیم فلاح (۱۳۹۶)؛ و تعداد معتناهایی از مقالات که به بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر شاعران مختلف اختصاص یافته است. این آثار غالباً پس از ذکر برخی از مؤلفه‌ها، به بیان مصادیق آن‌ها در شعر پرداخته‌اند و نسبت به زندگی شهدا و مبانی مؤلفه‌ها بی‌اعتنا هستند.

در این پژوهش سعی شده، با مطالعه زندگی یکی از شهدای والامقام، و بررسی شاخص‌های شخصیتی او، به این نکته اساسی اشاره شود که شهدا در دوران زندگیشان با اقتدا به بزرگان دین و الگوگیری از فرهنگ دینی به این رشد شخصیتی رسیدند تا به مقام شهادت دست پیدا کنند.

۵. اهمیت و ضرورت

پرداختن به زندگی شهدا و شاخصه‌های شخصیتی آنها و استخراج عوامل مؤثر بر ساخته شدن چنین شخصیت‌هایی، می‌تواند در جهت الگوسازی برای پرورش جوانان این مرزوبوم که درک درستی از زمان جبهه و جنگ ندارند، نقش مؤثری داشته باشد. هدف از انجام این پژوهش ارائه شیوه و روشی جهت بهره‌مندی بیشتر از زندگی‌نامه‌های شهداست. متأسفانه علی‌رغم تألیف کتاب‌های فراوان در باب زندگی شهدا، آثاری که به صورت مستقل به چگونگی فرهنگ‌سازی و ویژگی‌های شخصیتی شهدا پرداخته باشند و برای عموم جامعه قابل استفاده باشند، به ندرت نوشته شده و جای خالی آنها کاملاً محسوس است.

۶. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها، کتابخانه‌ای است. در تبیین یافته‌ها و تعیین مؤلفه‌های فرهنگ دینی از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و با توجه به محدودیت حجم مقاله، مؤلفه‌های فرهنگ دینی در سه حوزه بینش، منش و کنش طبقه‌بندی شده و در هر حوزه نیز به شکل گزینشی، برخی از مؤلفه‌های مهم مورد تحلیل قرار گرفته است. از نظر جامعه آماری، به مطالعه موردی کتاب «چراغ خانه ما» که زندگی‌نامه مستند سردار شهید ذبیح‌الله دریجانی را با بیانی علمی و به دور از هرگونه احساس یا قضاوت به رشته تحریر درآورده است، بسنده شد تا بتوان به الگوی اولیه‌ای دست یافت و سپس آن را بر سایر آثار مرتبط با سیره عملی شهدا تطبیق داد.

۷. بحث و بررسی

مؤلفه‌های فرهنگ دینی

دین یکی از مهم‌ترین منابع تولید فرهنگ در جوامع بشری است. فرهنگ سرزمین ایران با توجه به پیشینه غنی فرهنگی آن در پیش از اسلام، از دو سرچشمه اصیل سیراب می‌شود. این دو سرچشمه دو نوع فرهنگ را پا به پای هم به صورت زنده در ایران رواج داده است که از آن‌ها با عناوین فرهنگ ملی و فرهنگ دینی یاد می‌شود. این دو فرهنگ گاه با هم تفاوت‌هایی دارند و گاه با هم یکسان هستند و گاه در تعامل با یکدیگر واقع شده‌اند و به شکلی یکدیگر را تکمیل نموده‌اند. در مجموع، فرهنگ دینی که مد نظر این پژوهش است، شامل مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها، دانش‌های مذهبی، شیوه‌های اخلاقی، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌شود که به شکل‌های مختلف، رفتارهای فردی و اجتماعی مردم را سامان بخشیده است.

در ادامه مبانی و مؤلفه‌های فرهنگ دینی حاکم بر جبهه‌ها، که با بررسی کلیدواژه‌های مرتبط در متون دینی، استخراج شده، در سه مقوله اصلی به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود و سپس برای هر یک از مؤلفه‌ها پس از تحلیلی مختصر، شواهد مرتبط ذکر و تحلیل می‌شود.

بینش

نوع نگرش شخص به هستی، خدا، انسان و طبیعت، بخش بینش را تشکیل می‌دهد. این بخش زیربنای رفتارهای ملموس و عینی افراد است و هر چه پرورده‌تر و غنی‌تر باشد، فرد فرهیخته‌تر می‌شود و منش و کنش او مفیدتر می‌گردد. در بینش مذهبی محور تمام فعالیت‌ها توحید است. همه چیز از خدا شروع می‌شود و به خدا پایان می‌یابد. خداوند ناظر بر تمام لحظه‌های زندگی است و فرار از حکومت او غیر ممکن است. در برابر هر رفتاری، پاداش مناسب آن به آدمی داده می‌شود. تمام رخدادها و حوادث زندگی بر اساس مشیت الهی و بر مبنای حکمت و هدفی است. در یک کلام، بینش همان اعتقادات و باورهای هر انسانی است.

منش

ویژگی‌های شخصیتی انسان که میزان و چگونگی گرایش و پای‌بندی وی به اعتقادات را نشان می‌دهد و کارکرد آن‌ها را جلوه‌گر می‌سازد، منش آدمی را شکل می‌دهد. ممکن است افرادی در سطح دانش و باورها از آگاهی‌های فراوان برخوردار باشند، اما عملاً به آن‌ها پای‌بند نباشند و در عرصه زندگی از آن‌ها بهره‌نگیرند. در مقابل چه بسا افرادی که ممکن

است میزان دانش آن‌ها اندک‌تر باشد، اما به همان اعتقادات و باورهای خود ایمان عمیق داشته باشند و تمام اعمال و رفتارشان را بر مبنای آن شکل بدهند.

منش، حد واسط بین بینش و کنش است. در واقع کنش و عمل انسان نیز ارزش خود را از منش انسان کسب می‌کند. تمام ظرافت‌های رفتاری و گفتاری، و نیز میزان اخلاص آدمی را از منش او می‌توان دریافت

کنش

مجموعه رفتارها و گفتارهای انسان که تجلی عینی دارند و قابل دیده شدن هستند، بخش کنشی فرهنگ را ایجاد می‌کنند. با آن که کنش‌ها تأثیر عملی و واقعی در زندگی دارند، بر مبنای آموزه‌های دینی، به تنهایی کافی نیستند؛ بلکه انگیزه و میزان اخلاص در آن مداخلیت عام دارد.

برای شناخت دقیق‌تر کنش‌های دینی در فرهنگ جبهه، مناسب است که از نظریه پیر بوردیو بهره بگیریم. وی بیان می‌کند که فرهنگ، با استفاده از قوانین خاص خود «عادت‌واره» تولید می‌کند. منظور از عادت‌واره رفتار، و روش سلوک در زندگی است که کردارهای شناختی یا جسمانی را در فرد ایجاد می‌کند و برای او راهنمای اندیشه، تصمیم و عمل می‌شود. (ر. ک: دارابی، ۱۳۹۸: ۷۱). در تفکر اسلامی از این وضعیت با عنوان «ملکه یا ملکات اخلاقی یاد می‌شود.» در ملکات یا عادت‌واره‌ها دو موضوع اهمیت فوق‌العاده دارد: یکی آن که فرد در تعامل دائم با ارزش‌ها و وظایف اجتماعی، آن‌ها را درونی می‌کند و دیگر آن که عادت‌واره‌ها به طور مداوم و پیوسته به کردارها و کنش‌ها شکل می‌دهند؛ پابندی شخص به ادب زندگی اجتماعی و آداب و رسوم، به این بُعد از ملکات وابسته است. (همان: ۷۱). کنش‌ها را به دو نوع کنش رفتاری و کنش گفتاری می‌توان تقسیم کرد. به بیان دیگر، سخنان و گفتار انسان نیز در فرهنگ اسلامی نوعی از کنش وی هستند و آدمی در قبال گفتار خود مسئول است.

نکته مهم آن که بین این سه سطح که تمام عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ دینی در زیر مجموعه آن‌ها قرار می‌گیرند، پیوسته تعامل وجود دارد و هر نوع تغییری در یکی از آن‌ها، سبب تغییر در دو عنصر دیگر نیز می‌شود. گاه این تغییر به علت تغییری است که در یکی از این سه مؤلفه به وجود آمده است.

چنان که ملاحظه می‌شود، مصادیق هر یک از سه مؤلفه به وجود آورنده فرهنگ دینی که در ادبیات دفاع مقدس و زندگی شهدا و رزمندگان بازتاب یافته، بسیار متنوع و زیاد است

و پرداختن به همگی آن‌ها به هر حال ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ ولیکن ما در اینجا به ناچار، به سبب محدودیت حجم مقاله، تنها به بررسی ۷ مؤلفه، به طریق نمونه‌گیری، بسنده می‌کنیم و مشت را نمونه خروار می‌دانیم.

۷-۱- **خداشناسی:** هر انسانی به حکم فطرت خود دارای غریزه خداجویی و خداشناسی است. خداشناسی به کمال روحی انسان منجر می‌شود و پایه هستی و مدار حیات او قرار می‌گیرد. در اندیشه و اعمال شهید دریجانی خداوند مبدأ آفرینش، هستی‌بخش و نیرو دهنده، دانا به همه چیز، توانا به همه کار و قائم به ذات است. هیچ حادثه‌ای در جهان اتفاق نمی‌افتد، مگر آن که خداوند به آن احاطه کامل دارد و خداوند ناظر بر تمام حالات و اعمال آدمی است. اعتقاد به چنین خدایی سبب می‌شود که آدمی به منبع لایزال هستی پیوند بخورد، بر وی توکل کند، و با اتکا به قدرت الهی از هیچ قدرتی هراس به دل راه ندهد. ذکر او را موجب آرامش دل خود بدانند، و با درک این نکته که به فرمایش امام خمینی (ره)؛ عالم محضر خداست، در تمام شئون زندگی، حرمت او را نگاه دارد و رفتارش توأم با ادب و ظرافت شود. جلوه‌هایی از خداشناسی شهید دریجانی را در عبارات‌های زیر بررسی می‌کنیم:

«گاهی که خانواده به بهانه‌های مختلف می‌خواستند او را بیشتر نزد خود نگه دارند و از ناتوانی و تنهایی و گرفتاری‌های خود سخن می‌گفتند، با مهربانی و با زبانی آرام و شایسته می‌گفت: «ما همه در دامن خدا هستیم. مسئولیت همه ما با خداست، ما چه کاره‌ایم، همه ما وسیله هستیم. من شما را دعا می‌کنم. شما هم ما را دعا کنید.» (چراغ خانه ما: ۱۴۲).

در یکی از نامه‌هایش نوشته است: «خدایا! دوست می‌دارم آنچه را که تو دوست می‌داری؛ و دشمن می‌دارم آنچه را که تو دشمن می‌داری؛ و می‌پسندم آنچه را که تو می‌پسندی؛ و دوری می‌کنم از آنچه تو دوری می‌کنی.» (چراغ خانه ما: ۲۵۲). به پدر و مادر می‌گفت: «باید بدانید من قبل از آنکه فرزند خوبی برای شما باشم، باید بنده خوبی برای خدا باشم.» (چراغ خانه ما: ۳۳۲). هر وقت به او می‌گفتیم: «چه آرزویی داری؟» می‌گفت: «می‌خواهم بنده صالح خدا باشم.» می‌گفتیم: «بنده صالح خدا مگر به خوراک و پوشاک و وسایل زندگی نیاز ندارد؟» با خنده می‌گفت: «آنها را، همه، خدا خودش عنایت می‌کند.» (چراغ خانه ما: ۳۴۹). در یکی از نامه‌هایش نوشته است که: «تا تمام جوارح ما رنگ خدایی به خود نگیرد، نمی‌توانیم خلیفه‌الله بشویم.» و می‌گفت:

«خلیفه‌الله کسی است که دروغ نمی‌گوید، غیبت نمی‌کند، تهمت نمی‌زند، مسخره نمی‌کند، نگاه به نامحرم نمی‌کند، حجاب را رعایت می‌کند، فکر بد و سوءظن ندارد، کبر

ندارد، غرور ندارد، عجب نمی‌گیردش، از حرف بد و خوب مردم خوشحال و ناراحت نمی‌شود، اگر مصیبتی به او وارد شود، جز به درگاه خداوند رو نمی‌کند، و از آنچه از آن بوی ناشکری خدا و کفر بیاید، پرهیز می‌کند، دستش به جای حرام نمی‌رود و نمی‌خورد، گفتار و کردار و رفتارش همگی در خدمت خدا قرار می‌گیرد و آیینۀ تمام‌نمای اسلام است.» (چراغ خانۀ ما: ۴۳۰).

۲-۲- عبادت: یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ دینی پای‌بندی به عبادت است. در اهمیت عبادت همین بس که خداوند هدف آفرینش و غایت عالم تکوین و تشریح را عبادت دانسته و فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سورۀ ذاریات، آیه ۵۶). عبادت خالصانه در واقع ادامه دادن به کار و رسالت انبیاست؛ زیرا به گفته قرآن کریم: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (سورۀ نحل آیه ۳۶). عبادت به کارهای انسان رنگ خدایی می‌بخشد و رضای خدا را هدف زندگی قرار می‌دهد. با چنین بینشی، تمام حرکات و سکناات و تمام گفتار و کردار آدمی ارزش پیدا می‌کند و انسان دائم العبادت می‌شود. تداوم عبادت و انجام فرایض و نوافل انسان را از مقام عبودیت منتقل می‌کند. شهید دریجانی عاشق عبادت بود و علاوه بر فرایض، پایبندی کامل و خستگی‌ناپذیری به نوافل داشت. هرگاه برای خود او یا یکی از دوستانش مشکلی پیش می‌آمد، نذر روزه می‌کرد؛ هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، با عقل و درایتی که داشت، آن را حلّاجی و حل می‌کرد و در کنارش نذر روزه می‌کرد. معتقد بود که روزه می‌تواند سهم به سزایی در حل مشکلات داشته باشد.

برای یکی از اقوام که بچگی خود را در یتیمی گذرانده بود و بچه‌دار نمی‌شد، نذر روزه کرد. برای یکی از دوستانش که بیمار روانی شده بود، نذر روزه کرد و برای پیدا شدن پیکر پسرخاله‌اش - جمعه جزینی زاده - یک ماه روزه نذر کرد. نذرهای روزه‌اش سبب می‌شد بیشتر روزه‌های سال روزه باشد. (چراغ خانۀ ما: ۳۳۳).

در برپایی مجالس دعا و خواندن عاشقانه و مدبرانه ادعیه اهتمام داشت، نسبت به قرائت قرآن و تدبّر در آیات شریف و سواسی خاص داشت. دائم الوضو، دائم الذکر و دائم الصلاة بود. عاشق نماز شب بود؛ چنان‌که حتی در سخت‌ترین شرایط، انجام این نافله عزیز را فراموش نمی‌کرد. در زیر به چند نمونه از عبادت‌های خالصانه شهید اشاره می‌کنیم:

سه سال شبانه‌روزی با او بودم. در این سه سال بعید می‌دانم که یک شب نماز شبش ترک شده باشد. گاه که در حین عملیات یا در مسیر حرکت بودیم، در حین راه رفتن نماز

می‌خواند. هر شب ۲ یا ۳ جزء قرآن را با صوتی بسیار دلنشین تلاوت می‌کرد. (چراغ خانه ما: ۳۴۱).

زیاد قرآن می‌خواند. اهل دعا و نیایش بود. برای نماز شب خیلی ارزش قائل بود. نمازهای مستحبی را دوست داشت. هر وقت با مشکل مواجه می‌شد، نذر روزه می‌کرد. از مکروهات به شدت پرهیز می‌کرد. (چراغ خانه ما: ۳۳۶). همیشه ذکر خدا بر لب داشت و دائم الوضو بود. از هر فرصتی که به دست می‌آورد، برای خواندن قرآن استفاده می‌کرد. (چراغ خانه ما: ۳۳۶).

۷-۳- اخلاق: شاید بتوان مهم‌ترین مؤلفه فرهنگ دینی را اخلاق دانست. با وجود آن که مکاتب مختلف فکری و الهی اخلاق را از چشم‌اندازهای گوناگون نگریسته‌اند و برای آن تعاریف، اهداف و غایات گوناگونی برشمرده‌اند، می‌توان وجه ممیزه اخلاق اسلامی را در عبارت «تَخَلَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ» جو یا شد. بنابراین حدیث شریف، اخلاق یعنی این که تمام رفتارها و گفتارهای انسان رنگ الهی بگیرد و انسان تلاش کند صفات خداوند را در حد توان، در خود ایجاد نماید. امام صادق (ع) با برشمردن ویژگی‌ها و ابعاد مختلف اخلاق خوب، بیان می‌فرماید که: «حَسَنُ خُلُقٍ وَسِيلَةٌ قَرَبَ وَ تَزْدِيكِي اِنْسَانٍ بِه خِدَاسْت» و در ادامه می‌فرماید: «الْحُلُقُ الْحَسَنُ جَمَالٌ فِي الدُّنْيَا وَ نُزْهَةٌ فِي الْآخِرَةِ وَ بِه كَمَالُ الدِّينِ وَ الْقُرْبَةُ اِلَى اللَّهِ». (مستدرک، ج. ۸۳: ۲).

شهید دریجانی یکپارچه اخلاق زیبا بود. هم‌زمانش در ستایش ویژگی‌های اخلاقی وی گفته‌اند:

آدمی بی‌ریا و بی‌تکبر و به قول خودمان خاکی بود. می‌گفت: «در هر کار باید اول خدا را در نظر بگیرد.» خیلی منظم بود. به نظافت و تمیزی لباس و وسایل زندگی خیلی اهمیت می‌داد. قناعت و رضایت جزو جدایی‌ناپذیر زندگی‌اش بود. امانت‌داری او وقتی که مسئول تدارکات سپاه بود، زبان‌زد همگان بود. بسیار شجاع بود. وقتی که چشمش تیر خورد، حاج قاسم به او گفت: «ذبیح‌الله! تو دیگر در عملیات‌ها شرکت نکن و خیلی جلو نرو.» نپذیرفت. وظیفه خود می‌دانست که همراه و همگام نیروهایش باشد. جلو رفت، و شهید شد. در خوراک ساده و قانع بود. بسیار کم می‌خوابید. به هنگام خواندن دعای کمیل، از اول دعا تا آخر به شدت گریه می‌کرد. وقتی به مرخصی می‌آمد، فکر و ذکرش جبهه بود و مدام می‌خواست برگردد. خود را آنجایی می‌دانست و هیچ تعلقی به اینجا نداشت. (چراغ خانه ما: ۹۷).

شهید مطهری در کتاب انسان کامل می‌گوید: «انسان کامل کسی است که تمام صفات و ویژگی‌های نیک را در خود در یک سطح پرورش بدهد.» من ادعا نمی‌کنم که شهید انسان کامل است. این ادعا و اثبات یا رد آن در حوزه تخصص دیگران است، ولی همین قدر می‌دانم که ذبیح‌الله روحیات و صفات اخلاقی را در یک سطح در خود پرورش داده بود. حُسن خُلق داشت. از غیبت بسیار متنفر بود. شجاعت را در کنار تواضع، شهامت را در کنار قناعت، رضایت را در کنار مصیبت، درایت را در کنار توکل، سخت‌کوشی را در کنار آرامش، بی‌قراری را در کنار وقار و... داشت. جمع کردن این صفات به ظاهر متضاد در آن واحد در خود خیلی سخت است. رذایل اخلاقی و صفات شیطانی را کلاً در خود کشته بود. (چراغ خانه ما: ۹۷).

آنچه ذبیح‌الله دریجانی روستازاده را به این مقامات عالی رساند، اخلاق وی بود. بردبار بود، در زندگی صرفه‌جو بود. پرتلاش و پركوشش بود. درایت داشت. مهربان بود. فهمیده بود. دیندار و خداترس بود. روحی بلند و همّتی والا داشت. قدردان بود. راه او، راه سعادت و صراط مستقیم بود. (چراغ خانه ما: ۹۸).

۷-۴- ولایت‌مداری: یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ دینی اعتقاد به ولی و پذیرش دستورات و فرمان‌های او بدون چون و چراست. به این امر، ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری گفته می‌شود. ولایت‌مداری لازم است که بر مبنای شناخت و آگاهی صورت گیرد تا مبادا انسان به جای پیروی از ولی حق، ولایت طاغوت را پذیرفته باشد. در پرتو ولایت است که کارکردهای اجتماعی دین معنا پیدا می‌کند. در واقع «محبت‌ورزی و اطاعت‌پذیری در برابر ولی خدا، از برجسته‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرد ولایت‌مدار است؛ زیرا محبت به ولی خدا و فرمانبرداری از وی، در تحلیل نهایی خود، اطاعت از خداست.» (خارستانی، ۱۳۹۴: ۱۰۳). بر اساس آیات و احادیث و آموزه‌های شیعی، مؤلفه‌های ولایت‌مداری عبارتند از: بصیرت، اطاعت، محبت، صبر و استقامت؛ به علاوه دستیابی به ایمان حقیقی و راستین، تهذیب نفس، قبولی اعمال، شفاعت ائمه (ع)، رستگاری، و ورود به بهشت از آثار و ثمرات مهم و اصلی ولایت‌مداری است. (همان: ۹۳ تا ۹۸). نمونه‌های ولایت‌مداری در تنظیم تمام کنش‌های شهید دریجانی با دقت در موارد زیر قابل استنباط است.

فرماندهی را سلسله مراتبی از ولایت می‌دانست و معتقد بود دستور فرمانده مافوق، در نهایت دستور امام خمینی (ره) است؛ زیرا ایشان فرمانده کل قوا هستند و سلسله مراتب فرماندهی حاکم بر جبهه‌ها به ایشان ختم می‌شود. لذا هر فرمانده نسبت به زیر مجموعه خود

درجه‌ای از ولایت دارد و نسبت به مقام‌های مافوق خود، باید ولایت‌پذیری و اطاعت محض داشته باشد. (چراغ خانه ما: ۱۶۴). در کارهایش نظم خاصی داشت. ولایت‌مدار بود. علاقه عجیبی به ولایت و رهبری داشت. سربازی مطیع امر ولایت بود. فرمان امام (ره) را فرمان امام زمان (عج) و فرمان خدا می‌دانست. (چراغ خانه ما: ۳۲۴).

مطیع بی‌چون و چرای ولایت بود. این ولایت‌پذیری را در تمام سلسله‌مراتب زندگی خود تسری داده بود؛ به گونه‌ای که اگر مثلاً سردار سلیمانی به او می‌گفت: من به حکم ولایت نظامی‌ای که بر تو دارم، به تو دستور می‌دهم بروی در دل آتش بنشینی؛ بدون لحظه‌ای درنگ و تردید فرمانش را انجام می‌داد. (چراغ خانه ما: ۱۶۳).

در وصیت‌نامه‌اش به ولایت‌پذیری خود اشاره کرده و خدا را بابت این نعمت سپاس گفته است:

«خدا یا! تو را شکر گزاریم که زندگی و مرگمان در ولایت امام است؛ و ای جوانان! نکند در رختخواب ذلت بمیرید، که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد و امام علی (ع) در محراب عبادت، و علی اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد.» (چراغ خانه ما: ۴۵۸).

۷-۵- آخرت‌گرایی: باور به معاد و انتظار برپایی آخرت در فرهنگ دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر سبب شده که در فرهنگ دینی به همه مسائل، حتی مسائل زندگی این جهانی، از چشم‌انداز آخرت و تجسم عمل در پیشگاه الهی نگریسته شود. بر اساس آموزه‌های دینی، هم‌زمان با به وقوع پیوستن مرگ هر کس، قیامت او بر پا می‌شود؛ چنان که در حدیث داریم که: «من مات فقد قامت قیامته» و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«الْقَبْرُ إِمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»؛ «قبر، باغی از باغ‌های بهشت و یا گودالی از جهنم است و انسان باید برای آسانی و راحتی بعد از مرگ فکری بکند، هر روز صبح چند دقیقه به یاد قبر و قیامت بیفتد و تا شب، چندین مرتبه این تذکر و یادآوری را ادامه دهد.» (بحار الانوار، ج ۶: ص ۲۷۵).

در فرهنگ دینی وقوع قیامت، امری مسلم است. آیات بسیاری در قرآن کریم به این موضوع مهم و اساسی اختصاص دارد.

آخرت‌گرایی پیامدهای بسیار ارزشمندی در زندگی و رفتار شهدا داشته است که خود می‌تواند به‌عنوان موضوعی مستقل مطرح نظر واقع شود. بازتاب آخرت‌گرایی را در کتاب

چراغ خانه ما به شکل های گوناگون می توان مشاهده کرد، به عنوان نمونه به ذکر شواهد زیر بسنده می شود:

محسن معمار، یکی از همزمان دریجانی می گوید: «من یقین دارم که قبل از شهادت، زندگی آخرت خویش را با چشم سر و ظاهر نه - بلکه با چشم بصیرت - دیده بود.» (چراغ خانه ما: ۲۵۳)

در بخش پایانی وصیت نامه اش خطاب به همه انسان ها می گوید:

«و توصیه به همگی می کنم: بدانید که شما برای آخرت آفریده شده اید، نه برای دنیا؛ برای نیستی، نه برای هستی؛ و برای مردن، و نه برای زندگی؛ و تو در جای کوچ می باشی و در سرای موقت و در راه به سوی آخرت هستی، و تو رانده مرگی که گریزنده از آن رهایی نمی یابد و جوینده آن را از دست نمی دهد و ناچار مرگ او را در می یابد. پس بترس از این که مرگ تو را دریابد و تو در حال گناه باشی.» (چراغ خانه ما: ۴۵۸).

۶-۷- مهدویت گرایی و امید به آینده: انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) یکی از مشترکات تمام مذاهب اسلامی است. با این حال در مذهب تشیع بروز و ظهور کامل تری دارد. دعای عهد ویژگی های یک منتظر واقعی را به روشنی بیان می کند. به جرأت می توان رزمندگان و شهدا را از مصادیق حقیقی این دعا محسوب کرد. به گفته استاد اخلاق، مرحوم آیت الله مشکینی:

«در دعای عهد، منتظر واقعی انسان خودساخته ای است که شمشیر از نیام کشیده و نیزه در دست، آماده همراهی با امام عصر (عج) است. او در همه لحظات بر گردن خود عهد و بیعت با حضرت را احساس می کند و خود را در زمره یاران و هواخواهان و مدافعان او می داند. چنین انسانی معتقد است حیات بشریت و آبادانی بلاد و رفع همه نابسامانی ها و فساد و خرابی ها و احقاق حقوق انسان ها و یاری همه ستم دیدگان و اجرای اوامر الهی و سنت پیامبر اسلام (ص) تنها در سایه حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) امکان پذیر است.» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۴۶۵)

رزمندگان اسلام برای فراهم ساختن زمینه ظهور حضرت و برداشته شدن گره های کوری که در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان به وجود آمده، از جان مایه گذاشته اند و برای انتظار فرج معنایی را ارائه کرده اند که مبتنی بر تلاش و کوشش در جهت مورد رضای آن حضرت است. باری این انتظار در تمام لحظات حیات شهید دریجانی حضوری سرشار و سازنده دارد؛ چنان که اشاره به موارد زیر کافی است:

همیشه چشم به راه ظهور حضرت مهدی (عج) بود و می‌گفت: «ممکن است ما در آن زمان نباشیم و ظهور ایشان را به چشم نبینیم.» (چراغ خانه ما، ۲۵۴). همیشه منتظر ظهور امام زمان (عج) بود و از خداوند فرج آن حضرت را می‌خواست. دوست داشت جامعه چنان اصلاح شود که آمادگی ظهور امام زمان را پیدا کند. (همان: ۳۴۷).

یکی از دعاهاى هميشگى او اين بود كه: «بارخدايا! تو را به خون شهدا قسمت مى‌دهم كه فرج امام زمان (عج) را برسان.» (همان: ۱۹۹).

۷-۷- شهادت طلبی: شهادت در شمار عالی‌ترین مقاماتی است که یک انسان در زندگی خود می‌تواند به آن نائل شود. در قرآن کریم و احادیث مطالبی کم‌نظیر درباره شهادت و مقام شهید بیان شده است. قرآن کریم به صراحت بیان می‌فرماید که شهدا نمرده‌اند، بلکه در حیاتی متفاوت و برتر از زندگی این جهانی در نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی داده می‌شوند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)؛ «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «به یقین بهترین مرگ، شهادت (در راه خدا) است. سوگند به آن کس که جان فرزند ابوطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من آسان‌تر است تا مرگ در بستر در غیر طاعت خدا.» و در خطبه ۲۳ آرزوی شهادت می‌نماید و می‌فرماید: «نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَهُ السُّعْدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ»؛ «از خداوند جایگاه شهیدان و زندگی با سعادتمندان و همراهی با پیامبران را درخواست می‌کنیم.»

مقام معظم رهبری فرهنگ شهادت را فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه مردم می‌داند. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۷ بهمن ۱۳۹۳).

از مجموع این سخنان می‌توان شهادت را اوج آرزوی انسان به کمال رسیده و بهترین پایان برای زندگی فناپذیر این جهانی به حساب آورد. شهادت طلبی با چنین فهم عمیقی در سراسر زندگی شهید دریجانی ظهور بارز دارد. به‌عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود:

همسر شهید از وضعیت او پس از آن که در عملیات والفجر ۸ به شدت شیمیایی شده بود، و آرزویش چنین می‌گوید: «در تمام این مدت یک‌بار صدای ناله‌اش را نشنیدم. همه‌اش می‌گفت: «من طوریم نیست. هیچ‌طور نشده‌ام. شهنواز! من هنوز لیاقت شهادت را پیدا

نکرده‌ام. خداوند می‌خواهد با این مجروحیت مرا از گناهانم پاک کند.» (چراغ خانه ما: ۳۵۶). معنی واقعی شهادت را فهمیده بود و با تمام وجودش آن را طلب می‌کرد؛ به طوری که از تمام دنیا دل بریده بود و به دنبال شهادت می‌گشت. حالت چهره، نوع گفتار و شیوه رفتارش، همه، نشان می‌داد که دیری در میان ما نخواهد ماند. (چراغ خانه ما: ۲۰۱).
به‌راستی که اجر این همه کار با اخلاص و ایثار، چیزی جز شهادت نیست. فقط شهادت می‌تواند زحمت امثال او را جبران کند.

۸. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، موارد زیر را می‌توان به‌عنوان نتیجه بحث مطرح کرد:
با پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، در ایران فرهنگی به وجود آمد که بخش مهمی از مؤلفه‌های خود را از آموزه‌های دینی و به‌خصوص مذهب تشیع اخذ نمود و به دین‌رنگی کاملاً اجتماعی و تأثیرگذار بخشید. بسیاری از ویژگی‌های این فرهنگ و آداب و رسوم و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی برخاسته از آن، تنها در صورتی قابل درک خواهند بود که پشتوانه‌های دینی آن‌ها مورد نظر قرار بگیرد. در دوران دفاع مقدس نوع رفتار رزمندگان اسلام به گونه‌ای رقم خورده که گاه به نظر می‌رسد در آن برهه زمانی انسان‌هایی زیسته‌اند که متعلق به روزگار ما نیستند و از متن اسطوره‌ها سر برآورده‌اند؛ و این به دلیل ارتباط عمیق آن‌ها با دین و دستورات دینی است. رزمندگان و شهدا بر همین اساس شباهت‌های زیادی به انسان‌های ۱ پیدا کردند.

با مطالعه زندگینامه شهدا و درک ارتباط عمیق آن‌ها با حوزه دین و بررسی مؤلفه‌های فرهنگ دینی در سه حوزه پیش، منش و کنش، چنین نتیجه‌ای به دست می‌آید که: بین این سه سطح که تمام عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ دینی در زیر مجموعه آن‌ها قرار می‌گیرند، پیوسته تعامل وجود دارد و هر نوع تغییری در یکی از آن‌ها، سبب تغییر در دو عنصر دیگر نیز می‌شود و یا خود به علت تغییری که در یکی از این سه مؤلفه به وجود آمده، ایجاد می‌شود.

فرهنگ دینی شامل مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها، دانش‌های مذهبی، شیوه‌های اخلاقی، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌شود که به شکل‌های مختلف، رفتارهای فردی و اجتماعی مردم را سامان بخشیده است. با مطالعه کتاب «چراغ خانه ما» که به زندگی شهید ذبیح‌الله دریجانی، معاون حاج قاسم سلیمانی در لشکر ۴۱ ثارالله پرداخته، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این فرهنگ غنی در زندگی ایشان به قرار زیر قابل شناسایی است:

۶۳۰ ♦ بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ دینی در ادبیات دفاع مقدس...

خداشناسی، عبادت، اخلاق، ولایت‌مداری، آخرت‌گرایی، مهدویت‌گرایی و امید به آینده و شهادت‌طلبی. در واقع فرهنگ دینی از بُعد بینشی بر توحید و از بُعد منشی بر رفتار و گفتار خردمندانه و هدفمند که منجر به سعادت دنیا و آخرت شود و از حیث کنشی بر ایثار و از خود گذشتگی و تلاش خستگی‌ناپذیر و توأم با اخلاص و امیدواری نسبت به آینده بنا نهاده شده است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، (۱۳۶۸)، ترجمه دکتر جعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۵)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- بصیری، محمد صادق، (۱۳۸۸)، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- ترابی، ضیاء الدین (۱۳۸۹)، شکوه شقایق، تهران: سماء قلم.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۸)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: مؤسسه تووین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۷۳)، شویعت در آیین معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا خارستانی، اسماعیل؛ فاطمه سیفی (۱۳۹۳)، جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین، سراج منیر، سال ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۳
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی، (۱۳۷۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 10/4/1370
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی، (۱۳۸۲)، بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی، 1/1/1382
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی، (۱۳۹۳)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای امور تربیتی، کنگره شهدای دانشجو و کنگره شهدای هنرمند، 27/11/1393
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی، (۱۳۹۹)، بیانات مقام معظم رهبری، 1/7/1399
- دارابی، علی، (۱۳۹۵)، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، بیم‌ها و امیدها، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
- دارابی، علی؛ مسعود مطلبی (۱۳۹۸)، تبیین مؤلفه‌های دینی در فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۸، صص 67-101
- صباحی، مریم، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی-انگلیسی آسیا، تهران: انتشارات آسیا.

- صبحی صالح، (۱۳۹۵) **نهج البلاغه**، قم: انتشارات هجرت.
- صرفی، محمد رضا، (۱۳۹۳)، **گستره ادبیات پایداری**، نشریه ادبیات پایداری، بهار و تابستان. 1393
- صرفی، محمد رضا، (۱۳۹۷)، **چراغ خانه ما**، تهران: انتشارات گرا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر نشر اسلامی.
- عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۶)، **فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول**، زمانه، شماره 58.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۷۶)، **المصباح المنیر**، قم: دفتر نشر الهادی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۳**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۳)، **آموزش عقاید**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۹)، **فرهنگ سیاسی در ایران**، تهران: نشر فرهنگ صبا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، **مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۶**، تهران: انتشارات صدرا.
- مولوی، جلال الیدن محمد، (۱۳۹۰)، **مثنوی معنوی**، تصحیح نیکلسن، تهران: امیر کبیر.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- هیک، جان (۱۳۷۶)، **فلسفه دین**، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات الهدی.
- Tillich. Paul (1995). **Biblical Religion and the Search for Ultimate Reality**. University of Chicago Press: Chicago.
- **The Holy Quran**
- **Nahj al-Balaghe**, (1989), translated by Dr. Jafar Shahidi, Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization.
- Ashuri, Dariush, (1996), **definitions and concept of culture**, Tehran: Asian Cultural Records Center.
- Basiri, Mohammad Sadegh, (2009), **Analytical Course of Resistance Poetry in Persian Literature**, Kerman: Shahid Bahonar University Publications.
- Turabi, Ziauddin (2009), **Shokooh Shagayeg**, Tehran: Sama Qalam.
- Jafari, Mohammad Taghi, (1999), **Disciple culture and pioneer culture**, Tehran: Tuvin Institute and publishing the works of Allameh Mohammad Taghi Jafari.
- Javadi Amoli, Abdullah (1994), **Sharia in the Mirror of Knowledge**, Tehran: Raja Cultural Publishing Center
- Kharestani, Ismail; Fatemeh Saifi (2013), **governorship in Islam and factors influencing its consolidation based on the Holy Quran and traditions**, Siraj Munir, year 5, number 17, winter 2013
- Khamenei, Ayatollah Seyed Ali, (2013), **statements of the supreme leader in the meeting with officials** , 10/4/1370
- Khamenei, Ayatollah Seyed Ali, (2003), **Supreme Leader's statements in the gathering of pilgrims and those nearby the Razavi shrine**, 1/1/1382

- Khamenei, Ayatollah Seyyed Ali, (2013), **statements of the Supreme Leader at the meeting of the staff members of the Congress of Martyrs of Educational Affairs**, the Congress of Martyrs of Students and the Congress of Martyrs of Artists, 27/11/2013
- Khamenei, Ayatollah Seyed Ali, (2019), **Supreme Leader's Statements**, 7/1/2019
- Darabi, Ali, (2015), **Future Studies of the Islamic Revolution, Concerns and Hopes**, second edition, Tehran: Amir Kabir.
- Darabi, Ali; Masoud Motallebi (2018), **Religious Components in the Political Culture of Iranian Society after the Islamic Revolution**, Socio-Cultural Strategy Quarterly, Year 8, Number 31, Summer 2018, pp. 67-101
- Sabahi, Maryam, (2005), **Persian-English dictionary of Asia**, Tehran: Asia Publications.
- Sobhi Saleh, (2015) **Nahj al-Balagheh**, Qom: Hijrat Publications.
- Sarfi, Mohammad Reza, (2013), **Resistance Literature**, the journal of Resistance literature, spring and summer 2013.
- Sarafi, Mohammad Reza, (2017), **Cheragh Khane Ma**, Tehran: Gera Publishing House.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1984), **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**, Qom: Islamic Publishing House.
- Eyvazi, Mohammad Rahim, (2006), **Islamic Culture: Concepts, Characteristics and Principles**, Zamane, No. 58.
- Majlesi, Mohammad Baqir, (1982), **Bihar al-Anwar**, Beirut: Al-Wafa Institute.
- Meshkini Ardabili, Ali, (1997), **Al-Masbah Al-Munir**, Qom: Al-Hadi Publishing House.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (2011), **Questions and Answers**, Volume 3, Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2013), **Theological Instructions**, Tehran: Islamic Propaganda Organization International Publishing Company.
- Mosalla-nejad, Abbas (2009), **Political Culture in Iran**, Tehran: Farhang Saba Publishing House
- Motahari, Morteza, (1993), **the collection of works**, Vol. 16, Tehran: Sadra Publishing House.
- Mowlavi, Jalal addin Mohammad , (2013), **Masnavi Manavi**, edited by Nicholson, Tehran: Amir Kabir.
- Nouri Tabarsi, Mirza Hossein, (14th century AD), **Mostadrak al-vasayel**, Qom: Al-Al-Bait Institute.
- Hick, John (1997), **Philosophy of Religion**, translated by Behzad Saleki, Tehran: Al-Hadi Publications.